

مناسک حج زن از منظر امامیه و مذاهب چهارگانه

احمد صابری مجد*

چکیده

حج از مهم‌ترین فرایض و واجبات الهی است که بر هر مرد و زن مسلمان جامع‌الشرایط واجب است. برخی از آداب حج بین مرد و زن مشترک است برخی دیگر مختص به هر یک از آن دو است. در این پژوهش به مناسک حج زن که شامل مسائل مختص به زن است پرداخته شده و آرای مذهب شیعه امامیه و مذاهب چهارگانه ذکر شده و موارد اختلافی، بیان گردیده است؛ مواردی از قبیل همراهی همسر یا یکی از محارم در سفر حج و در عده طلاق و وفات نبودن زن و ادای فریضه حج بدون اذن شوهر.

کلمات کلیدی: حج زن، اذن شوهر در حج، حضور محارم در حج زن، اذن شوهر در حج، عده وفات

*. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ سطح ۴ حوزه علمیه قم.

حج از عبادات اجتماعی در اسلام است که آثار معنوی و اجتماعی بر آن مترتب است و خداوند متعال مسلمانان را بارها به ادای آن تشویق کرده است و ترک این تکلیف الهی را در صورت وجود استطاعت، در حد کفر دانسته است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۷).

پیامبر ﷺ نیز به مسئله حج سفارش و تشویق کرده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام از قول نبی گرامی صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ تَمْنَعَهُ حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ مَرَضٌ حَابِسٌ أَوْ سُلْطَانٌ ظَالِمٌ فَلَيْمَتْ عَلَى أَيِّ حَالٍ شَاءَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۱۹).

حج واجبات و محرمات و آداب خاصی دارد که از همه اینها با عنوان «مناسک حج» یاد می‌شود. بخشی از این مناسک بین مرد و زن مشترک است و بخشی دیگر مختص به هر یک از آنهاست. در این پژوهش به مسائل مختص به حج زن پرداخته می‌شود.

این پژوهش بر توضیح مفاهیم کلی حج مبتنی است و سه مبحث دارد: در مبحث نخست، شرایط مختص به حج زن؛ شامل اجازه همسر در ادای حج و موضوعات عده طلاق و وفات مطرح می‌شود؛ مبحث دوم، مشتمل بر احکام متعلق به حج زن است که خروج زن از خانه و خروج از احرام را شامل می‌شود؛

در مبحث سوم، نیز به مستحبات مختص حج زن اشاره می‌شود؛ و در پایان، نتایج این پژوهش عرضه می‌گردد.

مفاهیم کلی

الف) معنای لغوی و اصطلاحی حج

حج، در لغت به معنای قصد است (ابن منظور، ۱۳۱۵ش، ج ۲، ص ۲۲۶)؛ یعنی قصد بیت الله الحرام. در اصطلاح به این معنا آمده است: قصد زیارت کعبه برای انجام دادن اعمال مخصوص در برهه زمانی معین (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۰۶؛ کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴۹). حج را می‌توان از مهم‌ترین فرایض و واجبات الهی دانست: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ...﴾ (مدرسی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۴۳).

ب) حکم حج

حج به واجب و مستحب تقسیم می‌شود، خود واجب هم بر سه قسم است: یک- حَجَّةُ الْإِسْلَام که در طول حیات، یک بار بر انسان واجب می‌شود؛ دو- حجی که به وسیله نذر یا عهد یا قسم واجب می‌شود؛ سه - حجی که با اجیر شدن برای ادای حج نیابتی از طرف دیگری بر انسان واجب می‌شود. غیر از مواردی که بیان شد از انواع حج مستحب می‌باشد (مدرسی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۴۳).

شرایط مخصوص زنها

الف) سفر زن همراه همسر یا یکی از محارم

فقهای اسلامی در مورد بعضی از شرایط مختص به زن اختلاف دارند. یکی از این شرایط، سفر زن همراه با همسر یا یکی از محارمش می‌باشد که مذاهب گوناگون در مورد آن اختلاف نظر دارند.

نظریه اول

همراهی همسر یا یکی از محارم در حج شرط نیست و این مسئله بین فقهای شیعه اجماعی و اتفاقی است و نمی‌توان رأی مخالفی در این مسئله پیدا کرد و بسیاری از فقها برای این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند؛ مانند: ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳)، مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۸۸) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۳۳۰).

علاوه بر دلیل اجماع، می‌توان برای این مسئله به نصوص و روایات نیز مراجعه کرد از جمله:

یک - صحیح سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام:

«فِي الْمَرْأَةِ تَرِيدُ الْحُجَّ لَيْسَ مَعَهَا مُحْرَمٌ هَلْ يَصْلُحُ لَهَا الْحُجُّ فَقَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً» (حرّ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۳).

خالد از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که حج به‌جا می‌آورد ولی محارمی همراهش نیست

از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که آیا حج او صحیح است؟ امام صادق علیه السلام در جواب می‌فرماید:

«بله، اگر آن زن از ادای حج ایمن باشد، همراهی یکی از محارمش شرط نیست.»

دو- صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام:

«قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَخْرُجُ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وِليِّ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۴).

معاویة بن عمار گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زنی که حج به جا می آورد لکن ولی محارم یا همسر او همراهش نیست چه حکمی دارد؟ امام علیه السلام در جواب فرمودند: این حج درست است و این حج را با گروهی که مورد اعتماد و وثوق هستند، انجام دهد.»

سه - صحیحہ ای دیگر از معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام:

«قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ - بِغَيْرِ وِليِّ قَالَ لَا بَأْسَ - وَإِنْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ أَوْ أَخٌ أَوْ ابْنٌ أَخٌ - فَأَبَوْا أَنْ يَحْجُوا بِهَا وَ لَيْسَ لَهُمْ سَعَةٌ - فَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقْعُدَ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهَا» (حرّ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۴).

معاویة بن عمار در این روایت از امام صادق علیه السلام در مورد حج زنی که بدون حضور ولیّ حج به جا می آورد می پرسد؟ امام صادق علیه السلام در جواب می فرماید: «این حج درست است؛ اگرچه آن زن، همسر یا برادر یا برادرزاده داشته باشد و از همراهی با آنها امتناع ورزد و آنها حق ندارند که زن را از ادای حج باز دارند و زن باید حج را به جا آورد.»

چهار- صحیحہ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَمْحُجُّ بِغَيْرِ وِليِّهَا قَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَتْ امْرَأَةً مَأْمُونَةً تَحُجُّ مَعَ أَخِيهَا الْمُسْلِمِ» (حرّ عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۳).

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که بدون حضور ولیّش حج به جا می آورد، سؤال می کند و امام صادق علیه السلام در پاسخ می فرماید: «اگر زن ایمن باشد، می تواند با برادر دینی و مسلمان خود حج به جا آورد.»

بنابراین، همراهی زن با همسر یا یکی از محارمش^۱ در صورتی که او می تواند خود را از خطرها حفظ کند، در استطاعت زن شرط نیست؛ اگرچه او دارای همسر باشد (خمینی ۱۳۹۲ش،

۱. محارم زن عبارت اند از: پدر و پدربزرگ و هرچه به بالا برود (مثل پدر پدربزرگ و...)، برادر، عمو، دایی، پدر شوهر و هرچه به بالا برود (مثل پدربزرگ شوهر و پدر پدربزرگ و...) (برادرزاده و خواهرزاده، برادر رضاعی با شرایط شرعی و فرزندان و داماد).

ص ۳۲۹؛ گلیایگانی ۱۴۱۳ق، ص ۳۶) و زنی که نمی‌تواند حج را بدون همراهی محارمش به‌جا بیاورد، تحقق استطاعت در مورد او بر وجود چنین شرطی متوقف است و اگر این همراهی متوقف بر دفع اجرت باشد، واجب است که پرداخته شود و از نفقه حج محاسبه می‌شود. در این صورت اگر زن از پس پرداخت این هزینه‌ها بر بیاید، مستطیع است و اگر نتواند، مستطیع نیست. شیعه امامیه به این نظر اعتقاد دارد (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ص ۹۷).

نظریه دوم

واجب است که زن همراه با همسر یا یکی از محارمش حج را به‌جا آورد و اگر آنها نباشند، حج بر او واجب نمی‌شود. حنفی‌ها و حنبلی‌ها به این نظر معتقد شده‌اند (ازدی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۴؛ کاسانی، ۱۳۱۸ق، ج ۳، ص ۴۸۴؛ المقدس، ۱۳۱۲ق، ج ۲، ص ۴۸۳)، و به حدیثی از عمر استناد کرده‌اند که می‌گوید: «لَا تُسَافِرُ الْمَرْأَةُ ثَلَاثًا إِلَّا وَ مَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ»؛ «نباید زن سه شب بدون اینکه محرمی همراه او باشد، مسافرت کند.» (عسقلانی، ۱۳۱۵ق، ج ۲، ص ۵).

نظریه سوم

همراهی همسر با محرم، شرط خروج زن برای حج نیست و حج بر او لازم می‌شود. شافعی‌ها و مالکی‌ها به این نظر معتقدند (زحیلی، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۲۰۹۲). در مذهب شافعی همراهی زن با تعدادی از زنان مورد اطمینان واجب است و همراهی با یک زن به تنهایی کفایت نمی‌کند. مذهب شافعی انجام دادن حج را با تعدادی از زنان یا مردان یا مجموعی از زنان و مردان مورد وثوق، به استناد عموم آیه «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» واجب می‌داند (همانجا).

ب) نداشتن عده طلاق یا وفات

یکی دیگر از شرایط مختص به زن این است که در عده طلاق و وفات نباشد. در مورد این شرط بین فقهای اسلامی اختلاف وجود دارد:

نظریه اول

زنی که در عده طلاق یا وفات است، جایز نیست برای ادای فریضه حج خارج شود و دلیل آن قول خداوند است که فرمود:

﴿لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ﴾ (طلاق: ۷)

«و آن زنان را [تا در عده‌اند] از خانه بیرون نکنید و آنان نیز [بدون ضرورت] بیرون نروند.»
 زیرا ادای حج در وقت دیگر ممکن است، اما عده این گونه نیست و لازم است که در وقت مخصوص باشد و آن، بلافاصله بعد از طلاق یا وفات زوج است. ابوحنیفه و یارانش به این نظریه گرویده‌اند (زحیلی، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۲۰۹۳).

نظریه دوم

خارج شدن زن برای حج در زمان عده وفات جایز نیست، ولی در طلاق بائن جایز است؛ زیرا لزوم ماندن در منزل در عده وفات است و در طلاق بائن چنین الزامی برای زن وجود ندارد. اما در عده طلاق رجعی اگر زن برای حج خارج شود و شوهر بمیرد، اگر راهش نزدیک باشد، باید به منزل برگردد تا عده وفات را نگه دارد؛ ولی اگر راه او دور باشد، این ایام در سفر او محاسبه می‌شود. حنابله به این نظریه معتقد شده‌اند (ابن قدامه، ۱۳۴۸ق، ج ۳، ص ۲۳۲).

نظریه سوم

زنی که در عده وفات به سر می‌برد، جایز است برای انجام دادن کارهای ضروری یا بعضی از کارهای مستحبی؛ مانند حج و عمره و زیارت و صلۀ رحم و انجام دادن امور مؤمنان از خانه خارج شود، ولی احتیاط مستحب این است که شب را در خانه همسرش بخوابد؛ زیرا حج از امور ضروری و واجب بر زن است؛ به خصوص حج واجب. اما در حج مستحبی سزاوار است که زن در خانه بماند و فرقی در عده وفات یا عده طلاق رجعی وجود ندارد. اما در عده طلاق بائن که زوج حق ندارد به همسر رجوع کند، زن می‌تواند برای انجام دادن مستحبات از منزل خارج شود، ولو اینکه همسرش مانع او شود؛ زیرا همسرش بر او سلطه‌ای ندارد. امامیه به این رأی معتقد شده‌اند (سیستانی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۷).

احکام متعلق به حج زن

برای هر یک از افعال عمره و حج با اقسام گوناگونش، عمل عبادی وجود دارد که حتماً باید ادا شود. بنابراین مهم‌ترین احکام متعلق به عمره و حج که مختص زن‌هاست در اینجا بیان می‌گردد و به توضیح موارد ضروری و چالش برانگیز در این باب پرداخته می‌شود:

الف) شرط نبودن اجازه همسر در حج

فقه‌های اسلامی در مورد خارج شدن زن برای ادای فريضة حج، بدون اذن شوهر، اختلاف دارند:

قول اول

شرط نبودن اجازه همسر در به جا آوردن حجة الاسلام زن مورد قبول همه فقهای شیعه است و نظر مخالفی در این زمینه وجود ندارد. مرحوم نراقی در کتاب المستند در این باره ادعای نفی خلاف و اجماع کرده است. علاوه بر این اجماع، ایشان به اصل در مسئله احتجاج کرده است که اصل اولیه، عدم اشتراط اجازه همسر است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۹۱). همچنین می توان به روایات و نصوصی که در این باب آمده است، استناد جست؛ از جمله:

یک - صحیحۀ زراره از امام باقر علیه السلام:

«قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ لَهَا زَوْجٌ وَ هِيَ صَرُورَةٌ وَ لَا يَأْذَنُ لَهَا فِي الْحَجِّ، قَالَ: تَحُجُّ وَ إِنْ لَمْ يَأْذَنْ لَهَا» (حر عاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶).

زراره در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام در مورد زنی که دارای همسر است و حج واجب به گردن اوست ولی همسرش اجازه ادای حج را نمی دهد، سؤال می کند. امام باقر علیه السلام نیز در پاسخ می فرماید: «این زن حج به جا آورد؛ اگرچه همسرش به او اجازه ندهد.»

دو - صحیحۀ محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام:

«قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ لَمْ تَحُجَّ وَ لَهَا زَوْجٌ - وَ أَبِي أَنْ يَأْذَنَ لَهَا فِي الْحَجِّ فَغَابَ زَوْجُهَا فَهَلْ لَهَا أَنْ تَحُجَّ - قَالَ لَا طَاعَةَ لَهُ عَلَيْهَا فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ» (همان، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۵).

محمد بن مسلم نقل می کند که از امام باقر علیه السلام در مورد زنی که حج به جا نیاورده و همسرش به او اجازه نداده در حالی که همسرش نیز حضور ندارد، پرسیدم؟ امام باقر علیه السلام در پاسخ فرمود: «در حجة الاسلام زن نیازی به جلب اجازه همسر توسط زن نیست.»

سه - صحیحہ معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام :

«امْرَأَةٌ لَهَا زَوْجٌ فَأَبَى أَنْ يُأْذَنَ لَهَا فِي الْحَجِّ - وَلَمْ تَحْجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ - فَنَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا، وَقَدْ نَهَاها أَنْ تَحْجَّ - فَقَالَ لَا طَاعَةَ لَهْ عَلَيْهَا فِي حَجَّةِ الْإِسْلَامِ - وَلَا كَرَامَةَ لِتَحْجَّ إِنْ شَاءَتْ» (همان، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶).

معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام در مورد زنی سؤال می کند که همسرش اجازه ادای حج به او نمی دهد و آن زن حجة الاسلام به جا نیاورده است و همسرش نیز غایب شده است و او را از حج نهی کرده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «اطاعت زن از مردش و اخذ اجازه او در حجة الاسلام شرط نیست و زن می تواند هر زمان که خواست، حج به جا آورد».

آیت الله خویی در کتاب *المستند* چنین می گوید:

استدلال به این روایات در شرط نبودن اجازه همسر در حجی که بر گردن زن مستقر شده، واضح و درست است. ولی چنین گفته شده است که استدلال به این روایات برای حجی که هنوز بر گردن زن مستقر نشده، درست نیست؛ زیرا حق زوج که لازمه اجازه گرفتن از اوست، مانع تحقق استطاعات حج می شود.

آیت الله خویی به این اشکال چنین پاسخ می دهد:

«استطاعتی که در روایات تفسیر شده است، هیچ گاه با حق غیر تراحمی نداشته است و اگر بر فرض تراحم هم داشته باشد، از باب تقدیم اهم بر مهم، حج مقدم می شود.» (خویی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۶).

آنچه در مورد اذن همسر بیان شد در حج مستحبی جریان ندارد و اجازه همسر در حج مستحبی زن، لازم است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲ ص ۷۶۲).

اما مسئله بسیار مهم دیگر، اجازه همسر در حج نذری است. در این مسئله بین فقهای شیعه اختلاف شده است و بیشتر فقها اجازه همسر را شرط ندانسته و بین نذر حج به طور مضیق (نذر ادای حج در امسال) و موسع (بدون تعیین سال و زمان برای حج) تفاوتی قائل نشده اند.

اولین کسی که بین این دو نوع نذر (نذر مضیق و نذر موسع) تفصیل قائل شد، شهید ثانی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵۳). او معتقد است که در حج نذری مضیق، حتماً اذن همسر لازم نیست و در حج نذری موسع این حکم علی الظاهر جریان دارد.

در این مسئله، مقدس اردبیلی در مورد حکم نذر موسع توقف کرده و بعد از ایشان بود که فقها در حکم نذر یا به توقف قائل شدند یا فتوا به شرط بودن اجازه همسر دادند (اردبیلی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۰۳).

مشهور فقها قائل اند که در نذر مضیق اجازه همسر شرط نیست؛ ولی در نذر موسع عده‌ای به شرط نبودن قائل شدند (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۳۲۸؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۵۱) و عده‌ای نیز در مسئله توقف کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۰۳).

بنابراین، شیعه معتقد است برای زنی که مستطیع شده نیازی به اجازه شوهر نیست و حج بر زن واجب شده است؛ حتی در صورتی که شوهر او را از انجام دادن حج منع کند (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۳۲۸؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵).

اگر زنی نذر کند که با اجازه شوهر خود به حج برود، اگر شوهر اجازه ندهد، حج بر او لازم نیست (سیستانی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۷). بله، شوهر می‌تواند زن را از خارج شدن از منزل در اول وقت، در صورتی که وقت وسیع باشد، منع کند (صدر، ۱۳۲۷ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

قول دوم

زن در صورتی که با یکی از محارمش همراه باشد، می‌تواند بدون اجازه همسرش از منزل خارج شود. این قول حنفی‌ها و حنبلی‌هاست (کاسانی، ۱۳۱۸ق، ج ۳، ص ۱۰۹۰).

قول سوم

زن بدون اجازه شوهر نمی‌تواند از منزل خارج شود و این قول شافعی است، (زحیلی، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۲۰۱۹). این رأی مبتنی بر این است که اگر آن را نپذیریم، توفیت حق شوهر لازم بیاید؛ و روشن است که تمتع؛ اعم از مباشرت و سایر انواع استمتاع از حقوق شوهر است، پس رضایت او لازم است.

ب) احکام مختص به زن برای احرام

یک- لباس احرام

احکام مختص به زن که مشتمل است بر لباس زن، شامل احرام که با نیت همراه با تلبیه و پوشیدن لباس احرام صورت می‌پذیرد.

اول- پوشیدن لباس دوخته شده:

همه فقهای اسلامی اجماع دارند که زن می تواند لباس دوخته شده و لباس های عادی بپوشد و پوشیدن ازار و ردا که لباس احرام مردان است، بر او واجب نیست. همچنین پوشیدن لباس حریر در احرام بر آنها حرام نیست؛ ولی احتیاط مستحب این است که ترک شود؛ بلکه احتیاط واجب این است که در تمامی حالات احرام چیزی از حریر همراه خود نداشته باشد، مگر در موارد خاص و ضروری همانند، مصون ماندن از گرما و سرما (الامیریه، ۱۳۱۶ق، ج ۳، ص ۱۳۴؛ بابتی، ۱۳۷۰ش، ج ۳، ص ۴۶۰).

دوم- پوشیدن چکمه، کفش و جوراب:

همه فقهای اسلامی اتفاق نظر دارند که جایز است زن در حج، چکمه (خف)، جوراب و کفش بپوشد.

سوم- پوشاندن صورت:

علما و فقهای اسلامی بر این نظرند که پوشاندن صورت هنگام احرام برای زنان حرام است؛ همان طور که پوشاندن سر برای مردان جایز نیست؛ به دلیل روایتی از پیامبر ﷺ که فرمود: «إِحْرَامُ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ وَإِحْرَامُ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا» (بیهقی، ۱۳۵۳ق، ج ۵، ص ۵۳). در این مورد بین فقها اختلافی نیست. البته زن می تواند برای خود در حال اختیار سایه قرار دهد. حنابله گفته اند در صورتی که زن صورت خود را در حال احرام بپوشاند، باید فدیة دهد. اما شیعه امامیه معتقد است که در صورت پوشاندن صورت زن در حال احرام، یک گوسفند باید کفاره دهد (مدرسی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۶۰).

چهارم- پوشاندن دست ها (پوشیدن دستکش):

فقها بر این باورند که پوشیدن دستکش در حج بر زن جایز نیست (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۹). حنابله گفته اند اگر زن دستکش بپوشد، باید فدیة بدهد و اگر دستش را با خرقة ای محکم ببندد، این عمل حرام است و اگر محکم نبیند، نیازی به پرداختن فدیة نیست؛ زیرا آنچه حرام است، پوشیدن دست است، نه پوشاندن آن (ابن قدامه، ۱۳۴۸ق، ج ۲، صص ۳۰۶-۳۰۰).

دو- کوتاه کردن مو

فقها و علما اتفاق نظر دارند که تراشیدن موی سر، برای زنان، آنگونه که مردان انجام می دهند، حرام است. ولی کوتاه کردن مو ایرادی ندارد که این نظر به این روایت ابن عباس از پیامبر ﷺ مستند است: «لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ حَلْقٌ وَ عَلَيْنَهُنَّ التَّقْصِيرُ» (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۶).

مستحبات و مکروهات

در این بخش به برخی از مستحبات و مکروهاتی که مختص زنان است، اشاره خواهد شد:
الف) مستحب است که زنان در شب طواف کنند؛ زیرا در این زمان در خفای بیشتری هستند و ازدحام کمتری وجود دارد و می توانند بدون اینکه مردان مزاحمتی ایجاد کنند، به بیت الله الحرام نزدیک شوند؛

ب) بر زن واجب نیست که صدایش را برای تلبیه گفتن بلند کند؛ مگر به مقداری که خود می شنود یا به اندازه ای که یکی از همراهانش از زنان می شنود؛

ج) هروله بر زن در سعی بین صفا و مروه واجب نیست تا مفاتن و محاسن او آشکار نشود؛

د) واجب است که زن از طلوع فجر تا طلوع خورشید در مشعرالحرام توقف کند و مستحب است که از شب عید قربان تا طلوع خورشید به نیت اطاعت خدا و قربة الی الله بیتوته نماید. برای این توقف سه وقت در نظر گرفته شده است: نخست- از اول شب عید قربان تا قبل از طلوع فجر که این مورد مختص زن است؛ دوم- بعد از طلوع فجر؛ سوم- از طلوع خورشید تا زوال آن؛

ه) رمی جمرات برای زن در شب جایز است؛ همان طور که مردان نیز به دلایلی مانند بیماری و... می توانند در این زمان رمی جمرات را به جا آورند؛ البته با این شرط که توجه و علم داشته باشند که وقت اصلی و تعیین شده برای رمی جمرات ما بین طلوع خورشید تا غروب خورشید در روز عید قربان است (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۶).

و) پوشیدن لباس سیاه و لباس های رنگارنگ و لباس های کثیف برای احرام برای زن کراهت دارد. مستحب است که لباس احرام پنبه ای و سفید باشد (مدرسی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۴۳).

از مباحثی که بیان شد این نتایج به دست می‌آید:

۱. همراهی همسر یا یکی از محارم در حج شرط نیست و این مسئله بین فقهای شیعه اجماعی و اتفاقی است و نمی‌توان رأی مخالفی در این مسئله پیدا کرد. بسیاری از فقها نیز برای این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند.
۲. طبق نظر فقهای امامیه برای زن جایز است که در مدت عده وفات برای انجام دادن کارهای ضروری یا بعضی از کارهای مستحبی مثل حج و عمره و زیارت و صلہ رحم و انجام دادن امور مؤمنین و مانند این موارد از خانه خارج شود. اما در عده طلاق بائن که زوج حق رجوع به همسر را ندارد، زن می‌تواند برای انجام دادن مستحبات از منزل خارج شود؛ ولو اینکه همسرش مانع او شود.
۳. شرط نبودن اجازه همسر در به‌جا آوردن حجة الاسلام زن مورد قبول همه فقهای شیعه است و نظر مخالفی در این زمینه وجود ندارد. مشهور فقها قائل‌اند که در نذر مضیق اجازه همسر شرط نیست؛ ولی در نذر موسع عده‌ای به شرط نبودن قائل شده‌اند و عده‌ای نیز در مسئله توقف کرده‌اند.

* قرآن کریم.

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن زهره، حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق.
۳. ابن قدامه، موفق‌الدین عبدالله بن محمد (۱۳۴۸ق)، المغنی، چاپ دوم، مطبعة المسار، مصر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم المصری، (۱۳۱۵ق)، لسان العرب، نشر المؤسسة المصریة العامة للتألیف.

٥. اردبيلي، احمد بن محمد (١٤١٦ق)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامى.
٦. ازدى، ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامه (بى تا). حاشية الطماوى على الدر المختار. المصر
٧. الأُميرية الكمال بن الهمام (١٣١٦ق)، فتح القدير شرح الهداية.
٨. بابر تى، محمد بن محمد (١٣٧٠ش)، العناية شرح الهداية، دار الفكر.
٩. بيهقى، أبوبكر احمد بن حسين (١٣٥٣ق)، السنن الكبرى، دار المعرفة.
١٠. جزيرى، عبدالرحمان بن محمد عوض (١٤٠١ق)، الفقه على المذاهب الأربعة، دار الكتب العلمية.
١١. حر عاملى، محمد بن الحسن (١٤٢٤ق)، وسائل الشيعة، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
١٢. خامنه‌اى، سيدعلى بن جواد حسيني، (١٣٨٥ش)، مناسك حج، دفتر مقام معظم رهبرى.
١٣. خرشى، محمد بن عبدالله (١٣١٧ق)، شرح الخرشى على مختصر سيدى خليل المالكى، چاپ دوم، بيروت، دار صادر.
١٤. خمينى، روح الله (١٣٩٢ش)، تحرير الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
١٥. خويى، سيدابوالقاسم موسوى (بى تا). المستند فى شرح العروة الوثقى، مؤسسة احياء آثار الامام خويى.
١٦. زحيلي، وهبة (١٣٨٠ش)، الفقه الإسلامى وأدلته، بيروت، دار الفكر المعاصر.
١٧. سيستانى، سيدعلى (١٤٢٦ق)، أحكام المرأة والأسرة، دار الإمام الحسين عليه السلام.
١٨. شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٣). مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية.
١٩. شيخ سيد سابق (١٤٠٣ق)، فقه السنة، چاپ چهارم، دار الفكر.
٢٠. صدر، محمد (١٣٢٧ق)، منهج الصالحين، دار المجتبى.
٢١. طباطبايى سيد محمد على (١٤٢٣ق)، مناسك الحج والزيارة، الطباع.

٢٢. عسقلاني، احمد بن علي بن حجر (١٣١٥ق)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، تحقيق عبدالله هاشم اليماني المدني، بيروت، دارالمعرفة.
٢٣. كاساني، ابوبكر بن مسعود، (١٣١٨ق)، بدائع الضائع في ترتيب الشرائع، مصر، مطبعة الإمام.
٢٤. كركي، علي بن حسين (١٤٠٩ق)، الرسائل محقق كركي، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، مطبعة الخيام.
٢٥. گلپایگانی، محمدرضا (١٤١٣ق)، مسائل الحج، قم، دار القرآن الكريم.
٢٦. محقق حلي، جعفر بن حسن (١٤٠٧ق)، المعتبر في شرح المختصر، قم، سيدالشهدا.
٢٧. مدرسي، محمدتقي (١٤٢٤ق)، أحكام العبادات، چاپ چهارم، دار محبي الحسين عليه السلام.
٢٨. المقدس، أبي عبدالله محمد بن مفلح (١٣١٢ق)، الآداب الشرعية والمنح المرعية.
٢٩. نجفي، محمدحسن (١٤٠٤ق)، جواهرالكلام في شرح شرائع الاسلام، لبنان، داراحياء التراث العربي.
٣٠. نراقي، مولى احمد بن محمد مهدي (١٤١٥ق)، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٣١. نوري (محدث)، ميرزا حسين، ١٤٠٨ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بيروت، لبنان، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٣٢. يزدي، سيدمحمد كاظم (١٤٠٩ق)، العروة الوثقى، چاپ دوم، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.